

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجمن اجتماعی زحمتکشان افغانستان

۲۱ جنوری ۲۰۱۴

استعمار و جنایت،

زحمتکشان افغانستان را به افسرده ترین مردم جهان تبدیل کرده است

در کشوری که بم می ریزد و هر دم ده ها زحمتکش را می کشد، در کشوری که در و دیوار خانه های گلین توده های زحمتکش به وسیله چکمه های خونین سربازان ستمگر خارجی شکستاده می شود و کودکان و زنان به رگبار بسته می شوند، در کشوری که قریه هایش با خون دهقانان سرخ می شود، در کشوری که سینه کارگرش با گلوله امریکا و ناتو سوراخ سوراخ می شود و فاشیست های طالب سر معلم و داکتر را می برد، در کشوری که در یک سال ۴۰۰ تجاوز جنسی بر کودکان زحمتکشان صورت می گیرد، در کشوری که یک و نیم میلیون عضو خانواده بزرگ زحمتکشان معتاد می شود، در کشوری که بیش از یک میلیون کودک مصروف کار شاقه است، در کشوری که جرم و جنایت روز تا روز افزایش می یابد، در کشوری که ده ها تن از سردی زمستان می میرند، در کشوری که گرسنگی بیداد می کند و... در چنین کشوری که به کشور نمی ماند، هیچ انسان رنجیده، ستمدیده و با وجدان و با شرف نمی تواند شاد باشد. توده های زحمتکش افغانستان در صدر افسرده ترین مردم جهان قرار دارند. بر اساس سروی پوهنتون کوینزلند استرالیا، کشور ستمدیده ما بالاترین میزان افسردگی را دارد. با وجودی که این سروی از هر پنج افغان، یکی را افسرده می خواند، اما حقیقت اینست که در چنین جنایتکده خونینی، هیچ انسانی با شرف و با وجدان نمی تواند شاد باشد. پس وقتی شاد نبود، افسرده و غمگین است. چگونه یک انسان شریف می تواند شاد باشد، وقتی می شنود که در دره غوربند ۱۴ هموطنش به وسیله خارجی ها کشته شدند؟

در این سرزمین در بدر، سرزمینی که زندان بزرگ جهان است، زندانی با ۲۵ میلیون اسیر، شادی نمی تواند موجود باشد. اینجا که زنان قربانی خشونت و تجاوز جنسی هستند، چگونه یک زن با وجدان می تواند مسرور و شاد باشد؟ اینجا که جنایتکاران بدمستی می کنند و چپاولگران می درند، چگونه زحمتکشان می توانند شاد باشند؟ اینجا سرزمین افسردگی زحمتکشان و سرزمین قهقهه و شادی و خوشی غارتگران، ستمگران، چپاولگران و دالر دوشان و یورو بران است.

نمی توان زحمتکشان را به خاطر افسردگی ملامت کرد. به نیروی زحمتکشان باید هزار بار آفرین گفت که با این همه جنایت هنوز زنده هستند. اما، افسردگی راه نجات زحمتکشان نیست. راه نجات زحمتکشان، نیرو، توانایی، امید، آرزو، آرمان و تلاش برای پیاده کردن آرزوها و آرمان ها است، آرزوی رهائی از ستم و جنایت و تلاش همگانی زحمتکشان، شادی را در حلقوم جنایتکاران خشک می کند، پس ما زحمتکشان باید با گام های استوار بر این راه برویم.